

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال هشتم. شماره ۲۹. پاییز ۱۳۹۵

صفحات: ۶۳-۴۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۴/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۲۲

اثرات صندوق های اعتبار خرد زنان روستایی

مسعود سامیان*

احمد یعقوبی فرانی**

خلیل میرزایی***

مرجان ابراهیمی****

مینو عزیزی****

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صندوق های خرد زنان روستایی در استان همدان و به روش پیمایشی در نیمه دوم سال ۱۳۹۲ انجام شد. جامعه آماری تحقیق، شامل زنان روستایی عضو صندوق اعتبارات خرد روستایی در روستاهای کریم آباد و پرلوک از توابع شهر صالح آباد شهرستان همدان بود که به صورت تمام شماری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اند. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه استفاده شده است، اما در کنار آن از ابزار مصاحبه، مشاهده و مطالعات اسنادی نیز بهره برداری شده است. در بخش تحلیل داده ها، از تحلیل عاملی به منظور دستیابی به عوامل کلیدی استفاده شده است که با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت. در این تحقیق ۵ عامل کلیدی مهم ترین اثرات صندوق های خرد زنان روستایی را تشکیل می دهد که با توجه به مقدار تغییرات واریانس کل شان به ترتیب شامل: مسایل اقتصادی و انگیزشی (۱۶/۰۵۱)، کاهش آسیب های اجتماعی (۱۴/۷۰۱)، رضایت-مندی (۱۴/۵۴۵)، توانمندسازی اشتغال (۹/۰۵۷) و توسعه سرمایه گذاری (۷/۳۰۷) می باشند.

کلید واژگان: اعتبار، زنان روستایی، صندوق های خرد روستایی.

* دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

ایمیل: m.samian92@basn.ac.ir

** استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران.

*** دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران.

**** کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران

مقدمه

از آنجایی که توسعه مفهومی کیفی و چندبعدی است که هدف عمده آن کاهش فقر و بیکاری و توزیع مناسبتر درآمد به شمار می‌رود و گروه‌های مختلف جامعه را مدنظر قرار می‌دهد، بنابراین، در راه رسیدن به توسعه، باید همه افراد و حتی فقرا مشارکت داشته باشند. اما نکته درخور توجه آن است که چگونه فقرا می‌توانند در توسعه مشارکت کنند. این مسئله به ویژه در مورد زنان روستایی، که از امکانات اجتماعی محدودتری برخوردارند، بسیار قابل توجه است. در بسیاری از کشورهای جهان سوم، راهبردهایی برای رفع موانع مشارکت عملی زنان در توسعه اتخاذ شده است؛ توانمندسازی زنان یکی از همین راهبردهاست که تنها به مفهوم بهره‌مندی زنان از مزایا و نتایج برنامه‌های توسعه نیست، بلکه مستلزم مشارکت فعال آن‌ها در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه است (طالب و نجفی اصل، ۱۳۸۶). در آغاز هزاره سوم، یکی از رویکردهای مهم برای رفع فقر و توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی نقش اعتبارات خرد است که براساس آن، توجه به زنان فعال روستاها و قشر بسیار مؤثر در توسعه مورد تأکید قرار می‌گیرد. در بسیاری از کشورها، تأمین مالی خرد و کوچک؛ راهکاری مناسب برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید به ویژه فعالیت‌های خوداشتغالی و کاهش فقر و توانمندسازی افراد در مناطق کم درآمد مطرح شده است؛ به طوری که برخی کشورها در این زمینه به توفیقات چشمگیری دست یافته‌اند. انتخاب زنان به عنوان مشتریان، هدف اعتبارات خرد و از روش‌های مؤثر برای فقرزدایی می‌باشد، زیرا منافع حاصل از افزایش درآمد آن‌ها، باعث بالا رفتن سطح رفاه خانواده و به خصوص کودکان آن‌ها گردیده است، ضمن اینکه خود زنان نیز به دلیل کسب درآمد از موقعیت اجتماعی بالاتری برخوردار شده‌اند. در اقتصاد ایران، اعطای وام‌های خرد و خوداشتغالی از راه‌های گوناگون و از جانب نظام بانکی و برخی نهادهای رسمی و غیررسمی پرداخت می‌شود.

درباره اعتبارات خرد^۱ تعاریف گوناگونی از طرف اندیشه‌وران و سازمان‌های بین‌المللی ارائه شده که همگی نشان می‌دهد، پرداخت این نوع اعتبارات با اهداف خاصی از طرف دولت‌ها، سازمان‌ها، مؤسسه‌های تأمین مالی و... انجام می‌شود. بومن^۲ (۱۹۹۷) اعتبارات خرد را این گونه تعریف می‌کند: "کوچک، کوتاه و بدون وثیقه" به عبارت دیگر، اعتبارات خرد به معنای ارائه وام‌هایی با مبلغ کم، بدون وثیقه، به افراد کم درآمد است که این افراد در مدت زمان کوتاهی مبلغ یادشده را بازپرداخت می‌کنند. (نقل از عرب مازار، فرزین معتمد، ۱۳۸۲). صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی نیز انگیزه اعطای اعتبارات به روستاییان را که از طریق بسیج منابع و دانش به مثابه ابزاری راهبردی و مکمل و ائتلاف پویای روستاییان، دولت، مؤسسه‌های توسعه و اعتبار، سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی اجرا می‌شود را به شرح ذیل بیان می‌کند (آی‌اف‌دی، ۲۰۰۳):

۱. microfinance

۲. Bowman

۳. IFAD: International Fund for Agricultural Development

تحرک اجتماعی، بالابردن آگاهی‌ها، آموزش و قدرت‌دهی به فقیران؛ افزایش اعتماد به نفس فقیران، ظرفیت‌سازی‌های محلی و...؛ فراهم‌سازی زمینه کارگروهی برای ایجاد دارایی و زیرساخت تولید محلی.

اعتبارات خرد به‌عنوان ابزاری مؤثر در مبارزه با فقر و گرسنگی، قابلیت‌ها و ارزش‌های خود را اثبات کرده‌است. این ابزار، توانایی تغییر و بهبود زندگی مردم به‌ویژه مردم نیازمند به اعتبارات خرد را دارا می‌باشد. وام‌های کوچک، حساب‌های پس‌انداز و ارائه انواع خدمات مالی و بانکی، این باور را در خانواده‌های کم‌درآمد و فقیر ایجاد می‌کند که با دسترسی به این خدمات، درآمد آن‌ها افزایش خواهد یافت و بدین ترتیب، آن‌ها می‌توانند در برابر موانع و مشکلات غیرمنتظره از خود محافظت کنند و سطح زندگی کنونی خویش را بهبود بخشند و برای تغذیه، مسکن و آموزش فرزندان‌شان سرمایه‌گذاری نمایند. دستیابی به این شرایط، در زمره اصلی‌ترین اهداف برنامه هزاره سوم یعنی ریشه‌کنی فقر مطلق از جوامع بشری است (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۴). تأمین مالی خرد از یک طرف، خدمات اجتماعی و مالی را فراهم می‌کند که به تقویت سرمایه اجتماعی می‌انجامد و از طرف دیگر به کارگیری شیوه‌های مناسب آن و نظارت قوی باعث می‌شود اثربخشی آن در کاهش فقر و محرومیت‌های اجتماعی بیشتر شود؛ بنابراین ارائه اعتبار خرد به شاغلان و کشاورزان روستایی به صورت راهبرد می‌تواند به فرایند فقرزدایی و توسعه همه‌جانبه روستایی بینجامد.

صندوق‌های اعتباری، اهدافی همچون ارائه اعتبارات به روستائیان، به دور از قوانین دست‌وپاگیر نظام بانکی؛ ایجاد اشتغال بیشتر و کاهش اشتغال ناقص در مناطق روستایی؛ بهبود بخشیدن به درآمد و کیفیت عمومی زندگی در مناطق روستایی؛ جمع‌آوری و هدایت سرمایه‌های کوچک روستائیان و برنامه‌ریزی برای استفاده صحیح از آن؛ کمک مالی به روستائیان جهت راه‌اندازی پروژه‌های کوچک روستایی؛ توجه به رفع نیازهای واقعی و محلی روستائیان؛ بهبود وضع مالی و اقتصادی بهره‌برداران از طریق تشویق آن‌ها به پس‌انداز و تأمین وجوه موردنیاز برای پرداخت وام جهت امور تولیدی؛ تأمین هزینه‌های جاری و مصرفی روستائیان؛ تأمین بخشی از نیازهای ضروری مالی و اعتباری روستائیان دنبال می‌کنند (مقدس فریمانی، ۱۳۸۴).

در الگوی توسعه در کشورهای غربی به‌طور معمول، فرایند نوسازی و حرکت در جهت پیشرفت مادی و فکری، با ورود هر چه گسترده‌تر زنان به حوزه‌های عمومی همراه بوده و سهم آنان برای تصمیم‌گیری در حوزه‌های گوناگون افزایش پیدا کرده است (کولایی و حافظیان، ۱۳۸۱). در همین زمینه از اوایل دهه ۱۹۷۰، توجه به نقش زنان در توسعه مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع نیز ناشی از دو واقعیت مهم بوده است: تحقق نیافتن کلی نظریه‌های توسعه در بهبود وضعیت کشورهای جهان سوم و وضعیت نامطلوب اجتماعی-اقتصادی زنان در این کشورها.

واقعیت این است که نوسازی و توسعه، دستاوردهای نامتعادلی را برای مردان و زنان کشورهای در حال توسعه داشته است، به گونه‌ای که مردان، بهره‌وران و زنان قربانیان این فرایند بوده‌اند. درک مسائل فوق از سوی کارگزاران ملی و بین‌المللی، توجه آن‌ها را به نقش زنان در توسعه معطوف

کرد. نتیجه آن بود که با وجود طرح رهیافت‌های مختلف، برابری زنان و مردان در فرایند و نتایج توسعه جزء جدایی‌ناپذیر توسعه شد (مجلسی، ۱۳۸۵). مطالعات نشان می‌دهد، زنان بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند، این مسئله به دلیل این است که زنان از قابلیت‌ها و امکانات لازم برای توانمندی و کاهش فقر برخوردار نیستند. وجود موانع و محدودیت‌های فراوان بر سر راه تغییر و تحول پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، متأثر از عوامل فرهنگی و حقوقی، هرگونه تلاشی را برای از بین بردن فقر آنان، با مشکل مواجه ساخته است. پژوهش‌هایی که در کشور صورت گرفته، وضعیت نه چندان مطلوبی را نشان می‌دهد و بر نسبت بالای تعداد زنان زیر خط فقر، به ویژه فقر شدید زنان سرپرست خانوار تأکید دارد (شکوری، رفعت‌جاه و جعفری، ۱۳۸۶). همچنین زنان از قابلیت‌ها و امکانات برای کاهش فقر، محرومند، لذا نگرانی از پیوستن جمعی از زنان به گروه «فقرترین فقر»، سبب طرح رویکردهای متفاوتی از جمله «توانمندسازی زنان» شده است (شادی‌طلب، وهابی و ورمزیار، ۱۳۸۴). به گونه‌ای که سازمان ملل «ارتقای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در سطح گسترده را به عنوان یکی از اهداف کلیدی اعلامیه هزاره سوم» اعلام کرده است. این بدین معنی است که اگر هدف حذف نابرابری جنسیتی عینیت پیدا نکند، تحقق اهداف هزاره سوم با دشواری زیادی مواجه خواهد بود (شکوری، رفعت‌جاه و جعفری، ۱۳۸۶). و همکاران، ۱۳۸۶). بنابراین، در آغاز هزاره سوم، یکی از رویدادهای مهم برای رفع فقر و توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار نقش اعتبارات خرد است که براساس آن توجه به این قشر ضرورت می‌یابد (بخشوده و اسلامی، ۱۳۸۴). با توجه به این که عمده‌ترین مشکل زنان روستایی، مشکل مالی است، سازمان‌های مختلف دولتی و غیردولتی تأمین اعتبار با شرایط آسان را برای توانمندسازی این گروه در صدر وظایف خود قرار داده‌اند. از این رو، اقدامات نوآورانه بانک کشاورزی در ارائه تسهیلات به زنان روستایی در چارچوب اعتبارات خرد و بنابراین، در جهت رسیدن به توسعه پایدار و فقرزدایی در همین راستا قرار دارد. توانمندسازی، فرآیند چندبعدی دسترسی و کنترل افراد به منابع قدرت، برای افزایش سرمایه‌ها و ظرفیت‌های فردی و گروهی به سمت انتخاب‌های هدفمند است. در این میان اعتبارات خرد می‌تواند دسترسی به اهداف توانمندسازی را تسهیل نماید (سعدی و عرب‌مازار، ۱۳۸۴).

به طور کلی، بررسی و شناسایی تأثیرات صندوق‌های اعتبار خرد بر جنبه‌های مختلف زندگی زنان روستایی در جهت تقویت و بکارگیری مطلوب ظرفیت‌ها و قابلیت‌های این نوع اعتبارات خرد در جهت توسعه مناطق روستایی به طور عام و ارتقای سطح زندگی و فعالیت زنان روستایی و تلاش در جهت خوداشتغالی، کارآفرینی و خودکفایی آن‌ها به طور خاص، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت. بنابراین در این راستا، پژوهش حاضر به دنبال بررسی و شناسایی تأثیرات اعتبارات خرد ارائه شده توسط صندوق‌های اعتبار خرد زنان روستایی بر جنبه‌های مختلف زندگی (از جمله اقتصادی، اجتماعی و...) زنان برخوردار از اینگونه تسهیلات مالی می‌باشد.

- مروری بر مطالعات انجام شده

نتایج تحقیق رکن الدین افتخاری و عینالی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای نشان می‌دهد که اثربخشی منابع اعتباری در بهبود شرایط زندگی روستاییان و کشاورزان خرده‌پا بسیار بالا است و این مسأله، توفیق ارائه اعتبارات در توسعه روستایی و در توسعه اقتصادی روستایی به‌ویژه در سطوح پروژه‌های خرد را نشان می‌دهد.

یعقوبی (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان را بررسی نموده است. نتایج حاصله از این مطالعه نشان داد اعتبارات خرد پرداخت شده در زمینه اشتغال، بیشترین تأثیر را در تثبیت شغل قبلی زنان دریافت‌کننده وام داشته است.

معظمی و همکاران (۱۳۸۴) نیز برنامه اعتبار خرد برای زنان روستایی که توسط وزارت جهاد کشاورزی اجرا گردیده است را مورد مطالعه قرار داده‌اند. مطالعات میدانی انجام شده در استان هرمزگان نشان می‌دهد که ۸۰ درصد از زنان قبل از گرفتن وام فعالیت‌هایی انجام می‌داده‌اند که درآمدزا بوده است و مهم‌ترین آنها فعالیت‌های مربوط به صنایع دستی و خیاطی است. این فعالیت‌ها، اشتغالی نسبتاً تمام‌وقت برای افراد فراهم می‌کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که وام‌ها نتوانسته‌اند بر نوع فعالیت تأثیر چندانی بگذارند، به این معنا که فرد وام‌گیرنده فعالیت سنتی قبلی را دنبال می‌کند و وام‌ها در ۲۰ درصد موارد توانسته‌اند به‌طور کلی این برنامه موفقیت‌هایی در زمینه افزایش دسترسی زنان کم‌درآمد روستایی به وام داشته است و در مقایسه با برنامه‌های دیگر در سطح بین‌المللی به لحاظ پایداری عملکرد متوسطی داشته است.

در مطالعه حسن زاده، ازوجی و قویدل (۱۳۸۵) با عنوان بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی، ارتباط میان اعتبارات خرد و کاهش فقر و نابرابری‌ها، تأثیر اعتبارات خرد اعطایی در سال‌های اخیر بر کاهش فقر و افزایش درآمد سرانه بین استان‌های کشور بررسی شده است. روش مورد استفاده، مدل ادغام داده‌ها (پانل دیتا) در ۲۸ استان کشور و برای سال‌های ۸۲-۱۳۸۰ بوده که با استفاده از متغیر نسبت تسهیلات قرض الحسنه به کل تسهیلات (به صورت جایگزین متغیر اعتبارات خرد) تأثیر این متغیر بر درآمد سرانه (به صورت شاخص کاهش نابرابری‌ها و فقر) نشان داده شده است. نتایج مدل، بیانگر این است که اعتبارات خرد در صورتی می‌تواند به کاهش فقر بینجامد که اولاً طبقات گوناگون فقر شناسایی؛ و ثانیاً این اعتبارات برای ایجاد اشتغال باشد. به عبارتی کاهش فقر از طریق اعطای اعتبارات خرد فقط از طریق ایجاد اشتغال و برابری فرصت‌های شغلی امکان‌پذیر است.

نتایج مطالعه طباطبایی یزدی (۱۳۸۵) نشان می‌دهد، اعتبارات خرد برای زارعینی که از سرمایه‌های مالی و فیزیکی (زمین، ساختمان، دامداری، چاه عمیق و...) کافی برخوردار نیستند و صرفاً به لحاظ شرایط محیطی (مانند سکونت در روستا) یا شغل اجدادی کشاورزی به تولید در بخش کشاورزی می‌پردازند، از اهمیت زیادی برخوردار است و اعتبارات خرد در بهبود معیشت آن‌ها و ارزش افزوده تولیدشان نیز مؤثر است. حسن زاده، ازوجی و قویدل (۱۳۸۵)، با روش ادغام داده‌ها، اثرگذاری تأمین مالی خرد در کاهش فقر و نابرابری در استان‌های کشور را بررسی می‌کنند. یافته‌های این

تحقیق که از متغیر اعتبارات قرض‌الحسنه به‌عنوان جایگزین تأمین مالی خرد استفاده می‌کند، نشان می‌دهد که اعتبارات خرد، تنها در صورتی می‌تواند به کاهش فقر بیانجامد که اولاً، طبقات گوناگون اقتصادی شناخته شده باشند و ثانیاً، اعتبارات مذکور در جهت ایجاد اشتغال، مصرف شده باشد.

کوشکی، ابروانی و کلانتری (۱۳۸۹)، در مطالعه خود بر مشارکت زنان در صندوق‌های خرد روستایی در استان کرمانشاه، چنین نتیجه‌گیری کردند که صندوق اعتبارات خرد، با تأثیر بر میزان دارایی‌های مولد زنان عمدتاً به شکل دام و طیور، خرید چرخ خیاطی و گلدوزی و... در جریان درآمدی آتی زنان عضو اثرگذار بوده است و زنان توانسته‌اند با سرمایه‌های آن، ابزار تولید برای خود فراهم کنند. در این تحقیق، مواردی از قبیل برنامه‌ریزی با مشارکت زنان عضو، فراهم نمودن آموزش‌های لازم و مستمر برای زنان عضو، ایجاد حس تعلق و افزایش اعتماد به نفس زنان روستایی با تصمیم‌گیری گروهی، فراهم آوردن شرایط اجتماعی لازم به منظور ارتقاء جایگاه زنان روستایی عضو، مشورت با زنان روستایی در مورد نحوه عضوپذیری و... که از نظر زنان عضو صندوق‌های مورد مطالعه به ترتیب دارای اولویت بودند، به‌عنوان مهم‌ترین فعالیت‌ها و عملکرد صندوق اعتباری خرد برای افزایش و بهبود میزان مشارکت اعضای شناخته شدند. همچنین بر طبق یافته‌های این تحقیق، مشارکت زنان در صندوق‌های اعتبارات خرد را می‌توان از طریق سه عامل آموزشی - مدیریتی، اجتماعی - روان‌شناختی، اقتصادی - حمایتی بهبود بخشید.

یافته‌های پژوهش رحمانی، رفیع پور گاوگانی، زندر ضوی، ادیبی و ربانی (۱۳۸۹) (۱۳۸۹) با عنوان اثر اعتبارات خرد بر مدیریت بحران بر روی صندوق اعتبارات خرد زنان روستای پشت‌رود بم نشان می‌دهد که با واگذاری اعتبارات خرد به زنان، از مخاطرات مالی خانوارها کاسته شده و با حضور زنان در قالب گروه‌های داوطلب، این شبکه خرد و وام دهی به صورت مرکزی برای تجمع زنان و تبادل نظرات و عقاید و نیز همدلی آن‌ها درآمده و از این رهگذر، به بازسازی شبکه‌های اجتماعی و همسایگی تخریب‌شده در جریان زلزله یاری رسانده است.

تحقیقی توسط قاسمی، ستاریفر و مرتضوی فر (۱۳۹۰) با عنوان ارزیابی تحلیلی و تجربی تأثیر تأمین مالی خرد بر درآمد و مصرف خانوار بر روی خانوارهای تحت پوشش صندوق خودکفایی کمیته امداد در استان تهران انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تمامی خانوارهای بهره‌مند از خدمات مالی این صندوق، درآمدها نسبت به قبل افزایش یافته است و درآمد و مصرف این خانوارها نسبت به خانوارهایی که از خدمات این صندوق بهره‌نبرده‌اند بیشتر است.

شولر و هاشمی^۱ (۱۹۹۴)، در بنگلادش به مقایسه نمونه‌ای از زنان عضو بانک گرامین با زنان غیر عضو پرداختند تا تعیین کنند که آیا مشارکت در برنامه اعتباردهی توانسته است موجب توانمندسازی زنان شود یا خیر. در این مطالعه، توانمندسازی زنان به‌عنوان عاملی مؤثر در امنیت اقتصادی بوده و باعث افزایش میزان مشارکت زنان شده است و بر وضعیت آنان نیز تأثیر مثبتی به‌جا گذاشته است.

یافته‌های هاشمی و شولر^۱ (۱۹۹۶) نیز اذعان دارند که میزان جبر و خشونت خانواده نسبت به زنانی که عضو صندوق‌های اعتبارات خرد بودند، کاهش یافته است. بدین صورت که پیش از عضویت در صندوق اعتبارات خرد خشونت و جبر خانواده نسبت به زنان بیشتر بوده است. کمیسیون اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل (اسکاپ^۲، ۱۹۹۶) هدف از اعطای اعتبارات خرد به روستاییان را فقرزدایی، ایجاد اشتغال، درآمدزایی، توسعه اجتماعی و ترویج و آموزش کشاورزی، افزایش خودکفایی و حفظ عزت نفس روستاییان می‌داند.

کابیر^۳ (۲۰۰۱) در مطالعه خود به بررسی تأثیر وام‌های اعطایی به زنان روستایی پرداخت. نتایج مطالعات وی نشان داد که این وام‌ها نه تنها موجب افزایش منزلت اجتماعی زنان در خانواده و جامعه می‌گردد، بلکه کاهش تنش و خشونت علیه زنان در خانواده را نیز به دنبال داشته است.

لاویی^۴ (۲۰۰۲) در مقاله «زنان و اعتبارات خرد در ویتنام» نشان می‌دهد که برنامه‌های اعتبارات خرد باید با هدف گذاری استقلال مالی بیشتر برای وام‌گیرندگان فقیر همراه باشد، نه این که وابستگی به اعتبارات را بیشتر کند، زیرا این شرایط، ممکن است به ویژه برای افراد فاقد سرمایه خطرناک باشد. مطالعات خاندکر^۵ (۲۰۰۵)؛ کابیر (۲۰۰۸) و مردوچ و هالی^۶ (۲۰۰۲) نشان داده که برنامه‌های اعتبارات خرد عموماً در کاهش فقر مؤثر بوده و توانسته به بهبود وضعیت تحصیلی و تغذیه‌ای کودکان منجر شود که این اهداف و برنامه‌ها کاملاً در راستای فرآیند توسعه روستایی می‌باشند. برون، ارل و لاپ^۷ (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل تعیین‌کننده رشد بنگاه‌های کوچک در رومانی پرداختند. نتایج حاصل از مطالعه آن‌ها نشان داد اعتبارات مهم‌ترین فاکتور در تشویق و راه‌اندازی بنگاه‌های کوچک بوده و نقش فراوانی در اشتغال و فروش بنگاه‌های کوچک ایفا می‌کند. سنایانگ و چی هونگ^۸ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای به بررسی اعتبارات خرد و ارتقاء نقش گروه‌های زنان و مشارکت آنان جهت کاهش فقر در روستاهای گامبیا پرداخته و نتایج تحقیقات آنان حاکی از آن است که توانمندسازی و حمایت زنان روستایی با رهیافت اعتبارات خرد، مستلزم اجرای سیاست‌ها و راهبردهای حمایتی گروه‌های زنان در روستاها است. سنگسوریوانگ^۹ (۲۰۰۶) مطالعه‌ای را در ۶ روستای لائوس در فاصله زمانی ۲۰۰۵-۲۰۰۶ شامل دو گروه عضو و غیر عضو در برنامه‌های مالی خرد انجام داده است. وی در این تحقیق بیان می‌کند که برنامه‌های مالی خرد اثرات مثبتی بر گروه‌های عضو برنامه‌ها دارد که یکی از این اثرات، افزایش درآمد ناشی از تولیدات دامی و کشاورزی خانوارهای شرکت‌کننده در برنامه نسبت به غیر شرکت‌کننده‌هاست.

۱. Hashemi, Sydney & Schuler

۲. ESCAP: Economic and Social Commission for Asia and the Pacific

۳. Kabeer

۴. Lavoie

۵. Khandker

۶. Morduch & Haley

۷. Brown, Earle & Lup

۸. Sanyang & Chi Huang

۹. Sengsourivong

پروت^۱ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای، حقوق مسلم زنان روستایی را در ۱۴ مورد طبقه‌بندی می‌کند که از جمله آن دسترسی زنان روستایی به اعتبار می‌باشد. سواين و والنتین^۲ (۲۰۰۷)، آشه و پاروت^۳ (۲۰۰۱)، مالهاترا، شولدر و بوندر^۴ (۲۰۰۲) و همکاران (۲۰۰۲)، آکپابو^۵ (۲۰۰۷) و پروت^۶ (۲۰۰۹) نیز یافته‌های مشابه تحقیقات قبلی را گزارش کردند که تاییدی بر یافته‌های پیشین است.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: پژوهش حاضر به صورت پیمایشی^۷ انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل زنان روستایی عضو صندوق اعتبارات خرد روستایی در روستاهای کریم‌آباد و پرلوک که به دلیل کم بودن تعداد اعضاء (زیر ۲۰۰ نفر در هر روستا) به صورت تمام‌شماری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. این روستاها از توابع شهر صالح‌آباد استان همدان و در غرب ایران قرار داشته و از قدیمی‌ترین و موفق‌ترین صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در کشور هستند. در این تحقیق با انتخاب و مطالعه همه افراد جامعه آماری، فراوانی، توزیع و روابط بین متغیرها مورد بررسی قرار گرفته است.

ابزار سنجش

برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است، اما در کنار آن از ابزار مشاهده و مطالعات اسنادی نیز بهره‌برداری شده است. دقت شاخص‌ها و گویه‌ها در پرسشنامه یا روایی صوری^۸ توسط متخصصان فن مورد تأیید قرار گرفته است. برای بررسی پایایی^۹ ابزار تحقیق، پرسشنامه در اختیار تعدادی از صاحب‌نظران بخش اعتبارات و متخصصان علوم اقتصادی و بانکداری و کارشناسان صندوق‌های اعتباری و مالی قرار گرفت و نتایج آن بررسی و آلفای کرونباخ آن ۸۹ درصد به دست آمده که رقم قابل قبولی است. با توجه به ماهیت تحقیق در مطالعه حاضر، داده‌ها توصیف و تحلیل شده‌اند. در بخش توصیف، اطلاعات از آماره‌های توصیفی مثل فراوانی، درصد، میانه، مد، انحراف معیار، واریانس، میانگین و موارد دیگر بهره گرفته شد. در بخش تحلیل داده‌ها، از تحلیل عاملی^{۱۰} به منظور دستیابی به عوامل کلیدی استفاده شده است.

۱. Pruitt

۲. Swain & Wallentin

۳. Ashe & Parrott

۴. Malhatra, Schulder & Boender

۵. Akpabio

۶. Pruitt

۷. survey research

۸. face validity

۹. reliability

۱۰. factor analysis

یافته‌ها

براساس یافته‌های تحقیق، میانگین سنی زنانی که در این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفتند، ۳۳/۹۶ سال بوده که حداقل سن ۲۰ و حداکثر آن ۶۰ سال می‌باشد. ۲۷/۱ درصد زنان مورد مطالعه، بی‌سواد، ۶/۳ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۴۴/۸ درصد سیکل و ۲۲/۹ درصد، دارای سطح تحصیلات دیپلم و بالاتر بودند. همچنین از بین کل پاسخگویان، ۴۶/۹ درصد ساکن روستای کریم‌آباد و ۵۳/۱ درصد ساکن روستای پرلوک بودند. مدت زمان عضویت زنان در این صندوق‌ها بین ۱ تا ۱۰ سال بوده و میانگین عضویت ۵/۵۵ سال می‌باشد. در این میان، سابقه عضویت ۹ سال با ۳۵/۴ درصد بیشترین سهم را داشته است.

میزان سرمایه افراد در صندوق بین پنجاه تا یک میلیون و یکصد و پنجاه هزار تومان متغیر بوده که مبلغ سیصد هزار تومان سرمایه با ۱۶/۷ درصد، بیشترین فراوانی را دارا می‌باشد. همچنین میزان وام دریافتی بین صفر تا دو میلیون تومان بوده که یک میلیون تومان وام دریافتی با ۲۲/۹ بیشترین فراوانی را دارد. تعداد دفعات دریافت وام هم از صفر تا ۸ بار متغیر است که ۵ بار دریافت وام با ۱۸/۸ درصد دارای بیشترین فراوانی است. مبلغ اقساط نیز بین صفر تا هفتاد و پنج هزار تومان بوده که پنجاه هزار تومان با ۱۵/۶ درصد بیشترین فراوانی را دارد. مدت زمان انتظار دریافت وام نیز از صفر تا ۱۲ ماه می‌باشد که مدت ۳ ماه با ۳۹/۶ درصد بیشترین فراوانی را دارد. بیشترین مورد مصرف وام با فراوانی ۳۵/۴ درصد به فعالیت‌های تولیدی اختصاص یافت. موارد مصرف وام در جدول زیر خلاصه گردیده است.

جدول ۱. درصد و فراوانی موارد مصرف وام‌های دریافتی توسط اعضاء صندوق

درصد واقعی	درصد	موارد مصرف
۸/۳	۸/۳	*هیچ
۲۱/۹	۲۱/۹	امور خانواده
۱۳/۵	۱۳/۵	مصرف شخصی
۲/۱	۲/۱	جهیزیه
۷/۳	۷/۳	پس انداز
۳۵/۴	۳۵/۴	فعالیت تولیدی
۱۱/۵	۱۱/۵	سرمایه گذاری
۱۰۰	۱۰۰	کل

*این تعداد از افراد در نوبت دریافت وام بوده و هنوز وامی دریافت نکرده‌اند.

از میان کل شرکت کنندگان ۷۲/۹ درصد با آشنایی قبلی و مابقی بدون سابقه آشنایی عضو صندوق شده و از این بین، ۱۷/۷ درصد، اقدام به انصراف از صندوق نموده‌اند.

تحلیل عاملی اثرات اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و رضایت‌مندی صندوق‌های خرد زنان روستایی

جدول ۲. مقدار ضریب KMO و آزمون بارتلت، مربوط به اثرات اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی صندوق‌های خرد زنان روستایی

مقدار	نام آزمون
۶۱/۵	KMO
۳۷۶۷/۸۲۶	Bartlett's
۰/۰۰	Sig

چنانچه مقدار KMO بالاتر از ۰/۵ باشد، می‌توان با اطمینان خاطر از تحلیل عاملی استفاده نمود. این ضریب با توجه به جدول (۲)، برای این عوامل برابر با ۶۱/۵ بوده که رقم مناسبی است، سطح معنی‌داری آزمون بارتلت برابر با ۰/۰۰۰ است. در نتیجه در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۳. تعداد عامل‌های استخراج شده همراه با مقادیر ویژه، درصد واریانس و درصد تجمعی

ردیف	نام عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد تجمعی
۱	مسایل اقتصادی و انگیزشی	۶/۴۲۱	۱۶/۰۵۱	۱۶/۰۵۱
۲	کاهش آسیب‌های اجتماعی	۵/۸۸۰	۱۴/۷۰۱	۳۰/۷۵۲
۳	افزایش رضایت‌مندی و امید به زندگی	۵/۸۱۸	۱۴/۵۴۵	۴۵/۲۹۸
۴	توانمندسازی اشتغال	۳/۶۲۳	۹/۰۵۷	۵۴/۳۵۵
۵	سرمایه‌گذاری و اعتبارات	۲/۹۲۳	۷/۳۰۷	۶۱/۶۶۱

پس از اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی، از چرخش وریماکس برای دستیابی به عامل‌های معنی‌دار استفاده شده است. عوامل استخراج شده در جدول (۳) آمده است. این عوامل مجموعاً ۶۱/۶۶۱ درصد واریانس مربوط به اثرات اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و رضایت‌مندی صندوق‌های خرد زنان روستایی را تبیین می‌نمایند. لازم به توضیح است، از مجموع متغیرهای مورد بررسی، تعداد ۱۷ عامل به دلیل کم بودن بار عاملی و تأثیر کمتر، از فرایند تحلیل عاملی حذف شده‌اند.

جدول ۴. متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل مؤثر بر ایجاد اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صندوق‌های خرد زنان روستایی و میزان بارهای عاملی به‌دست آمده از ماتریس دوران‌یافته

اولویت	نام عامل	متغیرها	بار عاملی
اول	مسائل اقتصادی و انگیزشی	استقلال مالی و خودکفایی اعضا	۰/۶۰۸
		افزایش تولیدات کشاورزی و دام و طیور	۰/۶۱۴
		کاهش فقر در روستا	۰/۶۵۴
		تقویت انگیزه و تمایل به فعالیت‌های اقتصادی	۰/۶۸۳
		بهبود روحیه مشارکت زنان روستایی	۰/۶۹۱
		انگیزه بین دیگر زنان روستایی	۰/۷۱۵
		افزایش تمایل اعضا به فعالیت‌های اقتصادی	۰/۶۱۴
دوم	مسائل اجتماعی و رضایتمندی	رضایت از سهم آورده (سرمایه‌گذاری)	۰/۶۸۶
		کاهش مشکلات خانوادگی	۰/۷۲۵
		کاهش بیکاری زنان روستایی	۰/۷۲۸
		رضایت از مبلغ وام	۰/۶۱۴
		رضایت از برخورد مسئولین صندوق	۰/۶۵۹
سوم	مسائل سیاست‌گذاری و نهادی	رضایت از نحوه نظارت بر مصرف وام	۰/۷۲۱
		میزان تمایل به ادامه فعالیت صندوق	۰/۷۳۵
		رضایت از شرایط دریافت وام	۰/۷۳۸
		رضایت از نحوه انتخاب هیئت مدیره	۰/۷۴۶
		حذف واسطه‌ها و دلال‌ها	۰/۶۲۹
چهارم	توانمندسازی اشتغال	بهبود مشاغل قبلی	۰/۷۵۲
		ایجاد اشتغال	۰/۸۰۲
پنجم	توسعه سرمایه‌گذاری	سرمایه‌گذاری در سایر زمینه‌ها	۰/۶۸۰
		افزایش سهم آورده	۰/۷۶۲

وضعیت بارگذاری عامل‌ها پس از چرخش بر مبنای قرار گرفتن متغیرهایی با بار عاملی بزرگتر از ۰/۵ در جدول (۵) آمده است.

همان‌گونه که از ملاحظه می‌شود، ۵ عامل کلیدی مهم‌ترین اثرات صندوق‌های خرد زنان روستایی را تشکیل می‌دهد:

۱- عامل اول: (مسائل اقتصادی و انگیزشی)، این عامل به تنهایی ۱۶/۰۵۱ درصد از (تغییرات

واریانس کل) اثرات صندوق‌های خرد زنان روستایی را تبیین می‌کند و در اولویت اول قرار دارد. در این عامل، ۶ متغیر با بار عاملی بیش از ۰/۵ ایفای نقش می‌کنند که عبارتند از: استقلال مالی و خودکفایی اعضا، افزایش تولیدات کشاورزی و دام و طیور، کاهش فقر در روستا، تقویت انگیزه و تمایل به فعالیت‌های اقتصادی، بهبود روحیه مشارکت زنان روستایی، انگیزه بین دیگر زنان روستایی. این عامل با تحقیقات رکن الدین افتخاری، عینالی (۱۳۸۳)، حسن زاده، ازوجی و قویدل (۱۳۸۵) و طالب و نجفی اصل (۱۳۸۶) مطابقت دارد.

۲- عامل دوم: (مسایل اجتماعی و رضایتمندی)، به تنهایی ۱۴/۷۰۱ درصد از (تغییرات واریانس کل) اثرات صندوق‌های خرد زنان روستایی را تبیین و در اولویت دوم قرار دارد. در این عامل، ۴ متغیر با بار عاملی بیش از ۰/۵ ایفای نقش می‌کنند که عبارتند از: افزایش تمایل اعضا به فعالیت‌های اقتصادی، رضایت از سهم آورده (سرمایه گذاری)، کاهش مشکلات خانوادگی، کاهش بیکاری زنان روستایی.

این عامل با تحقیقات سواين و والتين (۲۰۰۷)، آشه و پارتوت (۲۰۰۱)، سنایانگ و چی هونگ (۲۰۰۸) و خاند کر (۲۰۰۵)؛ کابیر (۲۰۰۸) و هالی و مردوچ (۲۰۰۲) همسو می‌باشد.

۳- عامل سوم: (مسایل سیاست‌گذاری و نهادی)، به تنهایی ۱۴/۵۴۵ درصد از (تغییرات واریانس کل) اثرات صندوق‌های خرد زنان روستایی را تبیین می‌کند و در اولویت سوم قرار دارد. در این عامل، ۶ متغیر با بار عاملی بیش از ۰/۵ ایفای نقش می‌کنند که عبارتند از: رضایت از مبلغ وام، رضایت از برخورد مسئولین صندوق، رضایت از نحوه نظارت بر مصرف وام، میزان تمایل به ادامه فعالیت صندوق، رضایت از شرایط دریافت وام، رضایت از نحوه انتخاب هیئت مدیره. این عامل با تحقیقات عرب‌مازار و فرزین معتمد (۱۳۸۲)، رکن الدین افتخاری و عینالی (۱۳۸۳)، هاشمی و همکاران (۱۹۹۶) و کابیر (۲۰۰۱) مطابقت دارد.

۴- عامل چهارم: (توانمندسازی اشتغال)، به تنهایی ۹/۰۵۷ درصد از (تغییرات واریانس کل) اثرات صندوق‌های خرد زنان روستایی را تبیین می‌کند و در اولویت چهارم قرار دارد. در این عامل، ۳ متغیر با بار عاملی بیش از ۰/۵ ایفای نقش می‌کنند که عبارتند از: حذف واسطه‌ها و دلال‌ها، بهبود مشاغل قبلی، ایجاد اشتغال.

این عامل با تحقیقات معظمی و رحیمی (۱۳۸۴)، سعدی و عرب‌مازار (۱۳۸۴)، حسن زاده، ازوجی و قویدل (۱۳۸۵) و طالب و نجفی اصل (۱۳۸۶) همسو می‌باشد.

۵- عامل پنجم: (توسعه سرمایه گذاری)، به تنهایی ۷/۳۰۷ درصد از (تغییرات واریانس کل) اثرات صندوق‌های خرد زنان روستایی را تبیین می‌کند و در اولویت پنجم قرار دارد. در این عامل، ۲ متغیر با بار عاملی بیش از ۰/۵ ایفای نقش می‌کنند که عبارتند از: سرمایه گذاری در سایر زمینه‌ها، افزایش سهم آورده.

این عامل با تحقیقات شولر و هاشمی (۱۹۹۴)، مالها ترا، شولدر و بوندر (۲۰۰۲) و همکاران (۲۰۰۲)، آکپابو (۲۰۰۷) و پروت (۲۰۰۹) همسو می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

در کشور، مسأله اعتبارات خرد علی‌رغم نیاز شدید مردم (در روستاها و مناطق محروم) و سابقه یک صدساله آن، هنوز دارای برنامه مشخصی نمی‌باشد. لازم است برنامه‌ریزان و دولتمردان ضمن بررسی تجارب ناموفق داخلی و استفاده از تجارب موفق جهانی در صدد حل این مشکل برآیند و با تعریف منطقی اعتبارات خرد، به ایجاد نهادهای مالی واسطه‌ای به‌عنوان عامل چهارم و پل ارتباطی بین مردم و دولت (کارفرما) و مشاور اقدام نمایند و با قانونمند نمودن این نهادها و تصویب قوانین خاص، توسعه و گسترش اعتبارات خرد در کشور را به این مؤسسات واسطه‌ای واگذار نماید تا به‌عنوان بازوی توانا در کنار سیستم مالی دولتی این نهادهای مالی واسطه‌ای به محو فقر و بیکاری قشر آسیب‌پذیر با درآمدهای پایینی و ایجاد اشتغال پردازند.

همان‌گونه که در تحقیق دیده می‌شود، پاسخگویان از مکفی بودن در آمد خود اظهار نارضایتی کردند و میزان پس‌انداز خود را بسیار کم دانستند، ولی این خود گرایش افراد را برای راه‌اندازی مؤسسات تأمین مالی افزایش داد، البته این تهدید برای این مؤسسات وجود دارد که روستاییان وام‌های دریافتی را صرف امور غیرتولیدی کنند و در بازپرداخت وام‌ها دچار مشکل شوند. کمک مالی دولت در ابتدای تشکیل مؤسسات مالی نقش مهمی در ادامه فعالیت آن دارد. نحوه مدیریت صندوق، که در جذب سرمایه اولیه مؤثر است، و توزیع عادلانه و مناسب وام‌ها بین اعضا موجب رضایت‌مندی آن‌ها می‌شود در عین حال، تضمینی برای بازپرداخت وام‌ها با سود کم است. اعتماد اعضا به مسئولان و نیز اعتماد اعضا به یکدیگر، از دیگر ارکان اساسی یک صندوق اعتباری موفق است. بازپرداخت به موقع وام‌های دریافتی، امکان اعطای وام به دیگر اعضا را فراهم می‌سازد، و ارائه آموزش‌های لازم به اعضا قبل از اعطای وام و صرف کردن وام‌ها در امور تولیدی، از دیگر عوامل مؤثر بر استمرار فعالیت این صندوق‌ها خواهد بود. در عین حال، همان‌گونه مشخص است، عامل‌های استخراج شده از نتایج تحقیق حاضر، که در بخش توضیح عامل‌ها بیان گردید، با نتایج پژوهش‌های اکثر محققان و پژوهشگران همخوانی داشته و با یافته‌های صاحب‌نظران این حوزه نیز مطابقت دارد.

همان‌گونه که از نتایج این تحقیق مشخص شد پنج عامل اصلی ایجاد اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صندوق‌های خرد زنان روستایی در روستاهای مورد مطالعه اثرگذار هستند که عبارتند از ۱- مسایل اقتصادی و انگیزشی، این عامل به‌تنهایی ۱۶/۰۵۱ درصد از (تغییرات واریانس کل) اثرات صندوق‌های خرد زنان روستایی را تبیین می‌کند و در اولویت اول قرار دارد. در این عامل، ۶ متغیر با بار عاملی بیش از ۰/۵ ایفای نقش می‌کنند که عبارتند از: استقلال مالی و خودکفایی اعضا، افزایش تولیدات کشاورزی و دام و طیور، کاهش فقر در روستا، تقویت انگیزه و تمایل به فعالیت‌های اقتصادی، بهبود روحیه مشارکت زنان روستایی، انگیزه بین دیگر زنان روستایی.

عامل دوم مسایل اجتماعی و رضایت‌مندی، به‌تنهایی ۱۴/۷۰۱ درصد از (تغییرات واریانس کل) اثرات صندوق‌های خرد زنان روستایی را تبیین و در اولویت دوم قرار دارد. در این عامل، ۴ متغیر

با بار عاملی بیش از ۰/۵ ایفای نقش می‌کنند که عبارتند از: افزایش تمایل اعضا به فعالیت‌های اقتصادی، رضایت از سهم آورده (سرمایه‌گذاری)، کاهش مشکلات خانوادگی، کاهش بیکاری زنان روستایی. عامل سوم مسایل سیاست‌گذاری و نهادی که، به تنهایی ۱۴/۵۴۵ درصد از (تغییرات واریانس کل) اثرات صندوق‌های خرد زنان روستایی را تبیین می‌کند و در اولویت سوم قرار دارد. در این عامل، ۶ متغیر با بار عاملی بیش از ۰/۵ ایفای نقش می‌کنند که عبارتند از: رضایت از مبلغ وام، رضایت از برخورد مسئولین صندوق، رضایت از نحوه نظارت بر مصرف وام، میزان تمایل به ادامه فعالیت صندوق، رضایت از شرایط دریافت وام، رضایت از نحوه انتخاب هیئت مدیره.

عامل چهارم توانمندسازی اشتغال، به تنهایی ۹/۰۵۷ درصد از (تغییرات واریانس کل) اثرات صندوق‌های خرد زنان روستایی را تبیین می‌کند و در اولویت چهارم قرار دارد. در این عامل، ۳ متغیر با بار عاملی بیش از ۰/۵ ایفای نقش می‌کنند که عبارتند از: حذف واسطه‌ها و دلال‌ها، بهبود مشاغل قبلی، ایجاد اشتغال.

و عامل پنجم توسعه سرمایه‌گذاری، به تنهایی ۷/۳۰۷ درصد از (تغییرات واریانس کل) اثرات صندوق‌های خرد زنان روستایی را تبیین می‌کند و در اولویت پنجم قرار دارد. در این عامل، ۲ متغیر با بار عاملی بیش از ۰/۵ ایفای نقش می‌کنند که عبارتند از: سرمایه‌گذاری در سایر زمینه‌ها، افزایش سهم آورده.

بنابراین، اگر اعتبارات خرد، به‌ویژه اعتباراتی که به زنان روستایی کم‌درآمد و بعضاً سرپرست خانوار اعطاء می‌گردد، با آموزش و راهنمایی‌های مناسب و علمی و نیز برگزاری جلسات توجیهی برای زنان غیر عضو صندوق جهت آگاه‌سازی آن‌ها به منظور توسعه صندوق‌ها همراه باشد، می‌تواند منشأ اثر گردیده و موارد ذیل را در زندگی این قشر از جامعه مترتب گردد: و بر این اساس پیشنهاد می‌گردد: امکان بازدید اعضا صندوق از صندوق‌های موفق و پیش‌تاز فراهم گردد تا مشوقی برای توسعه و گسترش بیش از پیش این صندوق‌ها باشد. همچنین به استناد اصل ۴۴ قانون اساسی و تفویض امور به بخش خصوصی، جهت اشتغال‌زایی زنان، امور مربوط به تشکیل، نظارت و فعالیت صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی به بانوان دانش‌آموخته رشته‌های کشاورزی و اگذار گردد. و اگذاری امور به بخش خصوصی اشاره شده، موجب اشتغال بخشی از نیروهای فارغ‌التحصیل زن گردیده در عین حال، مسایل فرهنگی و اخلاقی مراودات زنان روستایی را که از لحاظ فرهنگی در برخورد با مردان دارای محدودیت‌های بیشتری هستند، پوشش خواهد داد. همچنین برگزاری جلسات توجیهی برای زنان غیر عضو صندوق جهت آگاه‌سازی آن‌ها به منظور توسعه صندوق‌ها.

منابع

- ازکیا، مصطفی، و ایمانی، علی. (۱۳۸۴). نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی و ایجاد اشتغال زندانیان آزادشده. همایش توسعه روستایی و کاهش فقر، بانک کشاورزی، تهران، ۱۹ و ۲۰ آذر.
- بخشوده، محمد، و سلامی، حبیب‌الله. (۱۳۸۰). نقش بانک کشاورزی در کاهش فقر با تأکید بر اعتبارات خرد. همایش توسعه روستایی و کاهش فقر، بانک کشاورزی، تهران، ۱۹ و ۲۰ آذر.
- حسن زاده، علی، ازوجی، علاءالدین، و قویدل، صالح. (۱۳۸۵). بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، (۲۱): ۴۵-۶۸.
- رحمانی، مریم، رفیع پور گاوگانی، سعید، زند رضوی، سیامک، ادیبی، مهدی و ربانی، علی. (۱۳۸۹). اثر اعتبارات خرد بر مدیریت بحران: مطالعه موردی صندوق اعتبارات خرد زنان روستای پشت‌رود بم. فصلنامه روستا و توسعه، (۳): ۵۱-۸۳.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، و عینالی، جمشید. (۱۳۸۴). ارزیابی اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توسعه اقتصاد روستایی (مطالعه موردی شهرستان خدابنده). فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، (۳۴): ۱۷۹-۲۰۲.
- سعدی، حشمت‌الله، و عرب مازار، عباس. (۱۳۸۴). نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی: تجربه بانک کشاورزی. مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی، تهران: مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی، ۲۶۲-۲۳۵.
- شادی طلب، ژاله، و هابی، معصومه، و ورمزیار، حسن. (۱۳۸۴). فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار. رفاه اجتماعی، (۴): ۲۲۷-۲۴۷.
- شکوری، علی، رفعت‌جاه، مریم، و جعفری، معصومه. (۱۳۸۶). مؤلفه‌های توانمندسازی زنان و عوامل مؤثر بر آن‌ها. زن در توسعه و سیاست، (۱): ۵-۲۶.
- طالب، مهدی، و نجفی اصل، زهره. (۱۳۸۶). پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار: نگاهی به نتایج طرح حضرت زینب (س) در روستاهای بوین‌زهر. فصلنامه روستا و توسعه، (۳): ۱۰-۲۶.
- طباطبائی‌یزدی، رویا. (۱۳۸۵). سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی. دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری.
- عرب‌مازار، عباس، و فرزین معتمد، ارغوان. (۱۳۸۲). نقش بانک کشاورزی در توانمندسازی روستاییان با بهره‌گیری از اعتبارات خرد. نشریه بانک کشاورزی، شماره ۲، ۱-۷.
- قاسمی، عبدالرسول، ستاریفر، محمد، و مرتضوی فر، زینب. (۱۳۹۰). ارزیابی تحلیلی و تجربی تأثیر تأمین مالی خرد بر درآمد و مصرف خانوار. تحقیقات اقتصادی، (۳): ۴۶-۲۰۵-۱۸۱.
- کوشکی، فاطمه، ایروانی، هوشنگ، و کلانتری، خلیل. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت

- زنان در صندوق های اعتبارات خرد روستایی: مطالعه موردی استان کرمانشاه. فصلنامه روستا و توسعه، (۱) ۱۴: ۳۳-۱۵.
- کولایی، الهه، و حافظیان، محمد حسین. (۱۳۸۵). نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مجلسی، منیژه. (۱۳۸۵). نقش زن در توسعه پایدار. ششمین همایش ملی دو سالانه انجمن متخصصان محیط زیست ایران. تهران، انجمن متخصصان محیط زیست ایران.
- معظمی، میترا، و رحیمی، عباس. (۱۳۸۴). بررسی پوشش و پایداری برنامه اعتبارات خرد. مرکز تحقیقات روستایی و دفتر امور زنان روستایی وزارت جهاد کشاورزی.
- مقدس فریمانی، شهرام. (۱۳۸۴). زمینه یابی تشکیل صندوق های اعتباری روستایی شرق استان تهران. اقتصاد کشاورزی و توسعه، (۵۰) ۱۳: ۱۹۹-۲۲۸.
- یعقوبی، جعفر. (۱۳۸۴). بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان. پژوهش زنان، (۱) ۳: ۱۴۶-۱۲۵.

- Akpabio, I. (2007). Women NGOs and the socio-economic status of rural women in Akwalbom State, Nigeria. *Journal of Agriculture and Social Sciences*. 6(1): 17-32.
- Ashe, J., & Parrott, L. (2001). Impact Evaluation of PACT's Women's Empowerment Program in Nepal: A Savings and Literacy Led Alternative to Financial Institution Building. Department of Agricultural Economics, Obafemi Awolowo University Nigeria. 9(2): 81.
- Brown, J. D., Earle, J. S., & Lup, D. (2005). What Makes Small Firms Grow? Finance, Human Capital, Technical Assistance, and the Business Environment in Romania. *Economic Development and Cultural Change*, 54: 33-70.
- Hashemi, S., R. Sydney, & Schuler, A. (1996). Rural Credit programs and Women's Empowerment in Bangladesh. *World Development*, 24(4): 635-653.
- International Fund for Agricultural Development. (2003). Rural finance: Sustainable and inclusive financing for rural transformation. 32: 211.
- Kabeer, N. (2001). Resources, Agency, Achievements: Reflections on the Measurement of Women's Empowerment, in *Discussing Women's Empowerment - Theory and Practice*, ed. A. Sisask, Sida Studies, 3: 17-59.
- Khandker, S. R. (2005). Microfinance and poverty: evidence using panel data from Bangladesh. *World Bank Economic Review*, 19(3): 1-25.
- Lavoie, M. (2002). Women and Microcredit in Vietnam. Anthropology department, Laval University. Field Report, 1-19.
- Malhatra, A., Schulder, S., & Boender, C. (2002). Measuring Women's Empowerment as a Variable in International Development. Paper commissioned by the Gender and Development Group of the World Bank. Available online at: http://hdr.undp.org/docs/network/hdr_net/GDI_GEM_Measuring_Womens_Empowerment.pdf (accessed 4/14/2009).
- Morduch, J., & Haley, B. (2002). Analysis of the effects of microfinance on poverty reduction. Working paper, 1014. New York University, Wagner Working Paper Series.
- Pruitt, L. R. (2009). Migration, development, and the promise of CEDAW for rural women. *Michigan Journal of International Law*, 30(3): 707.

- Schuoler, S. R., & Hashemi, S.M. (1994). Credit program and women empowerment and contraceptive use in Rural Bangladesh: studies in family planning. *Journal of World Development*, 24(4): 635-653.
- Sengsourivong, K. (2006). The Impact of Microfinance on Household Welfare: Case Study of a Savings Group in Lao PDR. Master Thesis. Department of Regional Cooperation Policy Studies Graduate School of International Cooperation Studies Kobe University.
- Sengupta, R., & Craig, P. (2008). The Microfinance Revolution, Federal Reserve Bank of St Louis Review, January/February 2008, The Federal Reserve Bank of St. Louis, 9-30.
- Swain, R.B., & Wallentin, F. Y. (2007). Dose Microfinance Empower Women?. Download from <http://www.nek.uu.se> or from S-WoPEC <http://Swopec.hhs.se/uunewp/>.

The Effects of Micro Credit Accounts Of Rural Women

M. Samian*
A. Yaghoubi Farani**
Kh. Mirzaei***
M. Ebrahimi****
M. Azizi****

Abstract

This study was intended to investigate the economic, social and cultural effects of rural women's micro credits accounts in Hamedan Province. The study was designed as a survey research which was conducted in second half of 2013. The population of this study were the rural women enrolled in such micro credits accounts in Karim Abad and Parluk villages in Saleh Abad County in Hamedan Province which was investigated and analyzed as a total population sampling. Questionnaire was used for data collection, but interview, observation and field study were also implemented. The face validity and the reliability of the questionnaire were examined which were quite acceptable. To analyze data, factor analysis was utilized to find the key factors which was conducted by SPSS software. The results showed that there were five main key factors affecting the micro credit accounts of rural women which were presented based on the following variances value: economic and motivation issues (16.051), lack of social damages (14.701), satisfaction (14.545), occupation empowering (9.057) and investment development (7.307).

Keywords: Credit, rural micro credits, rural women.

* Ph.D. Student, Department of Agricultural Extension and Education, College of Agriculture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. (Corresponding author: samian.masoud@yahoo.com/m.samian92@basu.ac.ir)

** Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, College of Agriculture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

*** Ph.D. Student, Department of Agricultural Extension and Education, College of Agriculture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

**** M.Sc. Graduated, Department of Agricultural Extension and Education, College of Agriculture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.